

### پروین صمدی<sup>۱</sup>

#### مقدمه

رالف تایلر که در ۲۲ آوریل سال ۱۹۰۲ دیده به جهان گشوده و در سال ۱۹۹۴ دیده از جهان فروبست، یکی از اثر گذارترین مربیان و نظریه پردازان برنامه ریزی درسی قرن بیستم به حساب می آید. اگر چه وی، همان طور که جان گودلد (به نقل از شوبرت و شوبرت، ۱۹۸۶: ۱۰-۱۱)، اظهار کرده به واسطه ایفای موفقیت آمیز نقش هایی از جمله معلم، پژوهشگر، مدیر، مؤسس نهادها، سیاست گذار، سخنران، و مشاور رئیس جمهور همواره شهیر بوده است.

تایلر از طریق تالیف کتاب «اصول اساسی برنامه درسی و آموزش» در سال ۱۹۴۹، شهرت جهانی کسب کرد و نخستین الگوی ارزشیابی آموزشی که تاریخ پیدایش آن به دهه ۱۹۳۰ میلادی باز می گردد از آن ایشان است. حال با توجه به اینکه کتاب ایشان سالهاست به عنوان یک سند عملیاتی که برای تدوین برنامه درسی مدرسه مورد استفاده قرار می گیرد (لبوویش، ۱۹۹۵) و نیز به عنوان مؤثرین ترین اثر در قلمرو برنامه درسی، ارزیابی کردند در ابتدا به تحلیلی جامع از این کتاب پرداخته می شود سپس دیدگاه اهمیت و جایگاه نظریه به عنوان یکی از مؤثرین ترین نظریه ها در برنامه درسی به طور مختصر مورد بررسی قرار می گیرد.

#### اصول اساسی برنامه درسی و آموزش

کتاب تایلر برای تدوین یک برنامه درسی و آموزش برخی تکنیک ها برای کسانی که ممکن است با مشکلات اساسی در برنامه آموزشی با آن روبروی هستند، است (لنی متس و کلامس، ۲۰۱۳). هر چند در جمله اول کتاب می توان انگیزه او را از نوشتن کتابش فهمید «دلایل منطقی یا اصولی را برای بررسی، تحلیل و تفسیر برنامه درسی و آموزش یک موسسه تربیتی است»

تایلر دلایل منطقی یک موسسه در قالب چهار سوال اساسی بیان می کند:

۱. مدارس باید درصدد تحقق کدام مقاصد تربیتی باشند؟
۲. کدام تجارب و فعالیت های تربیتی را می توان برای تحقق این مقاصد فراهم نمود؟

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه الزهراء(س)

۳. چگونه می توان این تجارب و فعالیت های تربیتی را به طور موثری سازمان داد؟

۴. چگونه می توان تعیین کرد که این مقاصد تحقق یافته اند یا نه؟

وی بیان می دارد اگر قرار باشد برنامه های آموزشی در مدارس طرح ریزی شوند و یا اگر باید کوشش هایی برای اصلاح و بهبود مستمر انجام گیرد، مشخص بودن هدف های مدارس بسیار ضرورت دارد.

تعریف آموزش و پرورش از دیدگاه تایلر با تعریفی که روانشناسان رفتارگرا در مورد یادگیری « تغییر در رفتار قابل مشاهده و اندازه گیری » بیان می دارند ( سیف، ۱۳۹۵) همسو است

« آموزش و پرورش فرایند تغییر الگوهای رفتار آدمی است» در اینجا رفتار در معنی وسیع است پس

هدف آموزش و پرورش می شود: انواع تغییراتی رفتارهایی خواهد بود که موسسه آموزشی در رفتار یادگیرندگان به وجود آورد. منظور از مطالعه یادگیرندگان تعیین تغییرات لازم در الگوی نوع رفتار یادگیرندگان است. سوالی که در اینجا مطرح می شود چه نوع تغییراتی در رفتار یادگیرندگان به وجود آید؟ تغییراتی که به نوعی دانش آموزان به آن نیاز دارند و برآورده شدن این نیاز در او مطلوبیت ایجاد می کند.

• نیاز در اینجا به معنی «اختلاف بین شرایط موجود دانش آموز و هنجارهای قابل قبول و مطلوب» است.

انواع نیازها با هم فرق می کند. مدرسه بایستی نیازهای که باعث رشد و بالندگی کودک هست را مورد توجه قرار دهد. حال چطور نیازهای که باعث رشد و بالندگی را شناسایی کنید:

○ زندگی را به چند جنبه اصلی تجزیه کنید این تجزیه به منظور بررسی و شناخت نیازهای ویژه هر جنبه از زندگی است.

▪ هر کدام از این جنبه ها باید شامل مطالعاتی درباره فعالیت های کودکان و نوجوانان ( روانی - حرکتی) ، اطلاعات و عقاید آنان ( شناختی) ، نگرش و علایق ( عاطفی) هایشان باشد.

• مطالعه نیازها باید براساس بررسی های علمی به منظور پی بردن به اطلاعات مشخص و در عین حال کلی درباره گروه سنی معینی از کودکان صورت گیرد.

• فعالیت های متناسب با این نیازها در نظر گرفته می شوند بایستی طوری باشد که فرصتهایی را فراهم آورد که دانش آموزان فعالانه و با تمام وجود در امری که مورد علاقه آنهاست درگیر شود.

علاقه : علاقه به معنی دوست داشتن + علاقه ای که آنها هدایت به سمت علایق مطلوب باشد.

چطور بهفهم دانش آموزان چه علاقه ای دارند:

• معلم از طریق مشاهدات

• مصاحبه با دانش آموز

• پرسشنامه

• تست ها

• بررسی پرونده، گزارشات و یادداشت ها

از اطلاعات به دست آمده چطور به موثر استفاده کنیم؟

• امکان اجرای اطلاعات بدست آمده

• مقایسه اطلاعات با هنجارها و استانداردها

• طرح پیشنهادی محتوا در برنامه درسی برای ارضای نیاز

نکته ای که در اینجا لازم به یادآوری است این است که فلسفه زندگی و فلسفه آموزش و پرورش معلم در تعبیر و تفسیر اطلاعات به دست آمده اثر دارد. همچنین گاهی بین تشخیص و تمیز نیازهایی که بایستی از طریق آموزش و پرورش و موسسات اجتماعی دیگر ارضا شوند دچار اشتباه می شویم.

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا تغییرات رفتارها فقط بایستی برای برآورده شده نیاز های یادگیرندگان باشند؟ نه بلکه جامعه نیازمند یکسری خواسته ها است که یادگیرنده باید یاد بگیرد که آنان را برآورده کند.

چه نوع تغییراتی در یادگیرنده ایجاد شود که نیاز جامعه را برآورده سازد؟

تغییراتی که به نوعی جامعه به آن نیاز دارند و با برآورده شدن این نیاز ها باعث رشد و بالندگی می کند جامعه می شود

• معلومات ، مهارت ها و نگرشهای که آنان برای زیستن در جهان آینده تجهیز کند

• آموزشهای که بین شرایط و فرصتهای مختلف زندگی و کاربرد انواع یادگیری ارتباط برقرار کند.

• آموزش مطالبی که باعث رشد و درک اصول اساسی میشود

• در نظر گرفتن علایق و نیازهای کنونی یادگیرنده

حال چگونه این اطلاعات را کسب کنیم؟

• تجزیه زندگی به جنبه های مختلف و مطالعه هر جنبه

○ سعی شود تمام جنبه ها در نظر گرفته شوند

○ در این دسته بندی بایستی بتوان اطلاعات بدست آورد که آنان را در تعیین اهداف مورد استفاده قرار گیرند.

• محققان گروه های اجتماعی

چطور از اطلاعات بدست آمده در تعیین اهداف استفاده کنیم

• در تفسیر اطلاعات بایستی از نقطه نظر استفاده آنان را در نظر گرفت

تایلر معتقد است که متخصصان و افراد مطلع معمولی ترین منبع تعیین اهداف هستند. تایلر معتقد است کتاب های درسی حتی دروسی که برای تدریس تنظیم می شوند منعکس کننده نظرات و تصورات آنها از این هدفها می باشند. اما نظر متخصصان گاهی به دو زیر دلیل مناسب نیست:

- خیلی فنی بودن
  - برای تعدادی زیادی از دانش آموزان مناسب نیست
- علت چیست؟

بر می گردد به نوع خواسته ای که از متخصصان دارند:

چه تعلیمات مقدماتی باید در هر درس برای دانش آموزان که می خواهند در همان درس تحصیلات پیشرفته داشته باشند داده شود؟

در صورتی که باید از متخصصان پرسیده شود درس مورد نظر شما به آموزش و پرورش نوجوانانی که نخواهند در آن رشته متخصص شوند چه سهمی دارد؟ درس شما در زندگی عامه مردم چه سهمی دارد؟

نکته ای که باید در اینجا بیان داشت در گزارش متخصصان برای موضوع درسی اشاره ای به هدف های خاص نشده است. بلکه گزارش ها برای تدوین درس شامل اهمیت موضوع ، راههای استفاده از این درس و مفید بودن درس در آموزش است.

در ادامه بحث باز تایلر بیان می کند که آیا باید تمامی اهدافی که توسط سه گروه ( یادگیرندگان، جامعه، متخصصان) مطرح شده اند در برنامه درسی منظور شوند؟

تایلر پاسخ می دهد؟ خیر است دلیل ایشان برای پاسخ به این سوال این است:

- تعداد اهداف به قدری زیاد است که در برنامه درسی گنجانده نمی شود
- تناقض اهداف که توسط سه منبع اصلی بیان شده اند
- نبود مدت زمان برای اجرای اهدافی که توسط سه منبع مطرح شده اند

حال برای رسیدن به اهداف و همگن چکار باید کرد؟

نیازمند ملاک و معیار هستیم.

یکی از ملاک ها فلسفه آموزش و پرورش و فلسفه اجتماعی است.

چرا این دو فلسفه را نیاز داریم؟

چون این دو اولین معیار انتخاب هدف های آموزش و پرورش هر کشوری هستند.

این دو فلسفه چه چیزی را بیان می کنند که به عنوان اولین هدفهای آموزش و پرورش محسوب می شوند؟

- از یک طرف ماهیت زندگی خوب و جامعه خوب را تعریف می کنند
- و از طرف دیگر رؤس ارزشهای که برای زندگی موثر و رضایت بخش لازم فرض شده اند را ترسیم می کنند.
- دومین ملاک روانشناسی یادگیری است

چرا روانشناسی یادگیری را به عنوان ملاک در نظر می گیرند؟ چون اگر بین غایات آموزش و پرورش با شرایط ذاتی یادگیری هماهنگی و همنوایی نباشد هدفهای آموزش و پرورش بی ارزش خواهند بود

در مجموع روانشناسی یادگیری در ماهیت فرایند یادگیری و اینکه یادگیری چگونه و تحت چه شرایطی، و چه نوع مکانیزمی عامل انجام می گیرد کمک می کند.

وقتی اهداف مشخص شده اند باید اهداف مهم و مفید مشخص شوند بهترین نوع بیان اهداف به چه صورت است؟  
۱- نوع رفتاری که باید در دانش آموز ایجاد و توسعه داده شود ۲- نوع محتوی یا جنبه هایی از زندگی که این رفتارها باید در آن به کار روند.

هدفها ملاک و معیارهای جدی و مهمی برای تنظیم برنامه درسی و سایر فعالیت های تربیتی است.

حال با توجه به اینکه هدفها مشخص شده اند چگونه می توان هدفها را تحقق بخشید؟ یادگیری چگونه صورت می گیرد؟ در پاسخ به این سوال تایلر بیان می کند: ضمن تجاربی که یادگیرنده بدست می آورد. نحوه شکل گیری تجارب از دیدگاه او از طریق واکنش های که یادگیرنده نسبت محیط ابراز می دارد.

تجربه ( فعالیت ) یادگیری: به کنش متقابل بین یادگیرنده و شرایط خارجی موجود در محیط که یادگیرنده به آن واکنش نشان می دهد اطلاق می شود.

یادگیری زمانی صورت می گیرد که یادگیرنده خودش انجام دهد.

حال وظیفه معلم در کسب تجربه دانش آموز چیست؟

معلم می تواند شرایط کسب تجربه را فراهم کند ( تدارک بیند).

چه شرایطی: شرایطی که باعث افزایش انگیزش دانش آموز برای کسب تجربه باشد

برای افزایش انگیزه: باید تا حدودی درباره علاقه ها و سوابق دانش آموز اطلاع داشته باشد. تا بتواند موقعیتی جهت کسب تجربه فراهم آورد

دانش آموزان می توانند تجارب و فعالیتهای متفاوتی داشته باشند با توجه به موقعیت های که معلم فراهم می کند داشته باشند ولی معلم بایستی طوری شرایط و موقعیت های را فراهم کند که اولاً ما را به هدفهای تربیتی برسانند دوماً موجب برانگیختن نوع فعالیت ها و تجارب یادگیری مورد نظر در دانش آموزان باشند.

خصوصیاتی که تجارب باید داشته باشند.

- تجارب یادگیری برای توسعه مهارت در تفکر باشند.
- تفکر : دو یا چند ایده را به هم ارتباط دهد.
- برای برانگیختن تفکر بهتر از واقعیت های که برای دانش آموزان آشنا باشند شروع شود . برای این کار هم مسائلی را مطرح شوند که از محیط سرچشمه می گیرند. پس معلم راهنمای کند که بین واقعیت ها ارتباط برقرار کند سپس مسائلی را مطرح نماید که دانش آموز خودش تفکر کند که چگونه بین واقعیت ها چطور ارتباط برقرار کند

- تجارب یادگیری مفید برای کسب اطلاعات باشد
- زمانی که بخواهیم درک و شناخت امور خاص، توسعه معلومات در امور مختلف را به دانش آموزان ارائه شود از بایستی از تجارب مفید استفاده کرد

- در آموزش تجارب مفید معلمان دچار خطاهای میشوند
- دانش آموزان بجای فهمیدن و به کار بردن آنها را بطور سطحی یاد می گیرد
- سرعت فراموشی اطلاعات توسط دانش آموز زیاد می شود.
- نارسایی یا فقدان تنظیم و سازماندهی مطالب یادگرفتنی بصورت مناسب و مفید
- وجود ابهام زیاد و اشتباه در بیاد آوردن اطلاعات دقیق
- محدود بودن آشنایی دانش آموزان با منابع صحیح و جدید
- تجارب یادگیری مفید برای توسعه نگرش های اجتماعی
- تجارب یادگیری که به پرورش و توسعه علاقه ها کمک می کنند

فرایند طرح ریزی تجارب یادگیری تجویز شده نیست بلکه نیازمند خلاقیت است

چطور می توانیم تجارب و فعالیت های یادگیری را برای آموزش موثر سازماندهی کرد؟

تاثیر سازماندهی: فعالیتها و تجارب تربیتی اثر متحد و یکپارچه می شوند. و نیز یکدیگر را تقویت می کنند.

تنظیم فعالیت ها از دو نظر زمان و موضوع باید مورد توجه باشد

- زمان: رابطه عمودی: این رابطه باعث تقویت موضوع درس و نیز پرورش و توسعه مفاهیم و درک و عمیق بیشتر موضوع درسی
- موضوع : رابطه افقی : باعث تقویت روابط بین موضوعات درسی می شود( وحدت)

معیار سازماندهی اثربخش:

سه ملاک وجود دارد:

- مداومت: تکرار عمودی عناصر برنامه درسی است
- توالی: بر تنظیم هر تجربه بر تجربه قبلی تاکید می شود ( تنظیم مطالب از آسان به مشکل و از ساده به پیچیده)
- وحدت و یگانگی: به ارتباط افقی فعالیت برنامه درسی اطلاق میشود

حال برای اینکه بدانیم سه فعالیت قبلی موثر واقع شده اند نیازمند ارزشیابی هستیم. ارزشیابی زمانی انجام می گیرد که مشخص شود که بین تجارب و فعالیت های یادگیری و اهداف آیا ارتباط وجود دارد آیا طرحهای مربوط به تجارب و فعالیت های یادگیری عملاً معلم را در دسترسی به نتایج مورد نظر راهنمایی و یاری می کنند خائن اهمیت بیشتری است

بررسی طرح های تجارب و فعالیت های یادگیری به منظور مشخص کردن نوع بازده آنها هدف ارزشیابی است تا چه میزان تجارب یادگیری، به صورتی که تنظیم شده و سازمان یافته اند واقعاً نتایج مطلوب و مورد نظر را به بار می آورند؟

فرایند ارزشیابی شامل تشخیص نکات قوت و ضعف طرح ها می باشد.

ارزشیابی به ما می گوید برنامه های درسی از چه جهاتی و جنبه هایی موثر هستند و از چه جهاتی به اصلاح، تغییر و یا تکمیل نیاز دارند.

ارزشیابی: تعیین میزان تغییرات در رفتارهایی که واقعاً صورت گرفته است.

بعد از آموزش - قبل از آموزش = میزان تغییرات که ما دانش آموزان انتظار داریم.

### بحث و نتیجه گیری

دیدگاه تایلر از مکتب رفتارگرایی و پراگماتیسم آمریکا متأثر است. تایلر از جمله دانشمندانی است که اصول بنا نهادن یک تئوری را مورد بحث قرار داده است (نوبریان، ۱۳۸۲ ص ۷۹). ریشه یا مبنای منطق تایلر که باعث شهرت او در برنامه درسی شده است به مطالعه هشت ساله (۱۹۳۳-۱۹۴۱) بر می گردد. هدف از مطالعه هشت ساله، بررسی اثرات تعلیم و تربیت پیشرو دیویی در مقایسه با تعلیم و تربیت سنتی بر روی دانش آموزان مدرسه و دانشجویان دانشگاه بود ( خسروی و کافی زاده، ۱۳۹۱).

در ابتدا تایلر در مطالعات هشت ساله یک الگو برای ارزشیابی طراحی کرد. بعد از بی نتیجه ماندن طراحی برنامه درسی در مطالعه هشت ساله توسط کمیته پس از مدتی در سال ۱۹۴۹، به طراحی الگوی برای برنامه درسی اقدام

کرد. که الگوی تایلر در کتاب اصول برنامه درسی و آموزشی که در بالا به طور مفصل توضیح داده شد. این بررسی نشان داد که تایلر با روش استقرایی چهار گامی اصلی به طور تفضیلی بیان نموده است. به نوعی می توان بیان داشت که این کتاب یک شیوه نگاه به برنامه درسی را بیان و معرفی می کند. برنامه درسی در این نگاه، ابزار مهم کارکردی آموزش است (عابدینی بلترک، ۱۳۹۳). منطق مورد نظر در این کتاب، با تعیین چهار پرسش اساسی در برنامه درسی آغاز شده است که در گام اول اهداف است تایلر اهداف را به عنوان نقشه راه می داند (لونی و بیرگ، ۲۰۱۱) از نظر ایشان اهداف بایستی کلی باشند که قابلیت تعمیم بالایی داشته باشند که این امر تفکر و مهارت اجتماعی را تقویت می کنند (لبوویش، ۱۹۹۲، ص ۵۳۶).

تایلر محصول زمان خود بود و ایده هایش را خودش نوشته است و در چشم انداز آموزشی امروز تفسیر می شود که در ماهیت رفتاری بود. در حالی یکی از نظریه های ساده، منطقی، عقلانی در برنامه درسی است.

کتاب تایلر، پایاترین و صورت بندی و تدوین نظری حوزه برنامه درسی است. منطق تایلر به ویژه در کارها و اثرهای جان دیویی، فرانکلین باییت، جورج کونتز و صاحب نظران دیگر برنامه دزسی ریشه داشت. رویکرد و مدل تایلر در طلب و انتقال و توسعه و کاربرد، رویکرد و مدل هدف - وسیله در فرایند برنامه ریزی درسی بود (فلنדרز و تورنتن، ۲۰۰۴).

دیدگاه تایلر مورد انتقاد فراوانی بویژه توسط نومفهوگرایان قرار گرفته است که بزرگترین منقد تایلر پاینار بود بطوریکه او بیان می دارد منطق تایلر، تفکر برنامه درسی را محدود ساخته است دلیل این بیان را می توان در جمله ای که پاینار بیان کرده دانست « منطق تایلر زنجیره عملیاتی از گامهای متوالی هدایت شده از تدوین اهداف و نتایج مشخص شناسایی تجارب یادگیری تحمیل می کند و فرض بر حاصل نتایج مورد انتظار و بیان دقیق روشهای ارزیابی ابزاری موفقیت یا عدم موفقیت برای اهداف ویژه است» که این امر باعث می شود برنامه درسی به اهداف و نتایج ارزشیایی تقلیل یابد. با وجود این همه انتقاد نسبت به این دیدگاه در تعیین گامهای متوالی در پایان کتاب تایلر بیان می کند استفاده از چهار پرسش اساسی، به عنوان یک چهارچوب مرجع عمل می کند، و به طور کلی، تحمیل قوانین دقیق برای تدوین یک برنامه درسی نیست (لبوویش، ۱۹۹۲، ص ۵۳۹). پس می توان گفت دلیل سکوت تایلر را در برابر انتقادهایش را فهمید.

#### منابع

طالب زاده نوبریان، محسن و فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۲). مباحث تخصصی برنامه ریزی درسی. تهران: آبیژ  
عابدینی بلترک، میمنت (۱۳۹۳). منطق تایلر و عملکرد مدیران مدرسه. مجله رشد مدیریت مدرسه. دوره سیزدهم.  
شماره ۴.

خسروی، رحمت اله و کافی زاده، منصوره (۱۳۹۱). تحلیلی بر منطق تایلر در برنامه ریزی درسی: مضامین موجه و مغفول. فصلنامه علوم تربیتی. سال پنجم. شماره ۱۸. صص ۶۷-۸۸.



خسروی، رحمت اله ( ۱۳۹۳). آثار ماندگار : اصول اساسی برنامه درسی و آموزش ( اثر رالف تایلر). دانشنامه ایرانی برنامه درسی.

تایلر، رالف ( ۱۳۹۰). اصول اساسی برنامه ریزی درسی و آموزشی. ترجمه محمد تقی پورظهیر. چاپ هشتم. انتشاره آگاه.

Schubert, W., & Schubert, A.L.L. (۱۹۸۶). A dialog With Ralph Tyler . Journal of Thought, ۲۱ (۱), ۹۱-۱۱۸.

Hlebowith, P.S ( ۱۹۹۵). Interpretations of the Tyler Ration: A reply to Kliebard. Journal of cueeiculum Studied. ۲۷ (۱), pp ( ۸۹- ۹۴).

Nowakowski, J., R. An Interview With Ralph Tyler. (۲۰۱۱).Journal of MultiDisciplinary Evaluation, Volume ۷, pp ۲۰۲- ۲۲۷.

Hliebowitsh, P., S. (۲۰۰۵). Genreational Ideas in curriculum: A historical triangulation. By the ontrio institute for studies in education of the University of Toronto. Curriculum inquiry v. ۳۵.

Lunenburg, F ., C. ( ۲۰۱۳). Key Components of a Curriculum plan: Objectives, Content, and Learning Expeiriences. Journal schooling . volum ۲.